

# نبود نگرشهای سیستمی در تدوین برنامه‌های راهبردی ارتباطات و توسعه

جعفر حسین پور

## مقدمه:

مشارکت سیاسی، برابری اجتماعی، رشد اقتصادی، صلح و موازنه محیط‌زیست مجموعه‌ای از این احتیاجات است.

۳- فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه.  
۴- فرایندی که کوششهای مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر محل هماهنگ کند و مردم این محل را در زندگی يك ملت ترکیب نماید و آنها را تماماً برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد. امروزه در جامعه شاهد هستیم که در محافل و بحثهای دانشگاهی و کارشناسی و همچنین در مطبوعات و صدا و سیما، صحبت از توسعه و مسایل و مفاهیم مربوط به آن است. و در زمینه توسعه، موضع‌گیریها و نظرات متفاوت ابراز می‌شود. برخی توسعه را تنها يك تحول مربوط به دنیای غرب می‌دانند که ریشه‌هایش در آنجا شکل گرفته و مواهب و نتایج آن را نقاط گوناگون جهان، به نسبت‌های مختلف استفاده می‌کنند. این گروه بر این باورند که اجرای الگوهای توسعه به شیوه غرب برای جهان سوم، زیان‌آور است و رهایی جامعه از فقر و مشکلات دیگر، به وسیله توسعه که روش غربی است، خیالی خام است و قابل دسترسی نیست. عده‌ای دیگر توسعه را برای بقای جامعه لازم و ضروری می‌دانند و معتقدند که توسعه مثل قلب برای اندام زنده بدن است و اگر قرار باشد جامعه‌ای پایدار بماند باید توسعه پیدا کند. عده دیگری نیز در کنار اولویت

این خلدون (۱۴۰۶-۱۳۳۲) برای اولین بار در کتابش تحت عنوان «مقدمه» به مفهوم «توسعه» اشاره کرده است. این متفکر اسلامی و بنیانگذار جامعه‌شناسی و علم جمعیت‌شناسی به مفهوم امروزی آن، مشکلات اجتماعی را تجزیه و تحلیل کرده و عبارت «علم العمران» را برای تشخیص علم نوین توسعه یا جامعه در مباحث دیگر جامعه‌شناسی به کار برده است. بررسی پیشگامانه وی در این زمینه يك الگو و روش‌شناسی را برای جامعه‌شناسی در برداشته است. این خلدون برای توصیف علل اساسی دگرگونیهای تاریخی در جهت توسعه، نکاتی را بر شمرده است که به عقیده او در ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع وجود دارد. کتاب وی تقریباً به مدت دو قرن بعنوان کاملترین منبع در مسائل توسعه شناخته شده بود و هنوز همه برای تجزیه و تحلیل توسعه و سازمان جامعه محل رجوع بسیاری از پژوهشگران است.

ولی توسعه در فرهنگ علوم سیاسی این چنین آورده شده است:

- ۱- بهبود رشد و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی.
- ۲- گسترش ظرفیت نظام اجتماعی، بر آوردن احتیاجات محسوس يك جامعه، امنیت ملی، آزادی فردی،

اطلاعاتی بر مبنای برنامه‌های توسعه، زمینه‌های جدیدی در پژوهش‌های ارتباطی تحت عنوان «ارتباطات توسعه» گشوده شده است.

از آنجا که نگرش‌های سیستمی امروز روش‌های نوین و جامعی برای بررسی، تحلیل و تبیین برنامه‌های سازمانی و ملی در هر دو سطح خرد و کلان در عرصه‌های تصمیم‌گیری بشمار می‌روند و در طبقه‌بندی فنون برنامه‌ریزی استراتژیک جای گرفته‌اند، شناخت روش‌شناسی و مدل‌سازی سیستمی و تحلیل ساختار بینشی آن برای برنامه‌ریزان از یک سو و طرح برنامه‌های استراتژیک ارتباطات و توسعه کشور در چارچوب نگرش‌های سیستمی از سوی دیگر در موقعیت سیستم برنامه‌ریزی و سازگاری آن با تغییرات محیطی اهمیت فراوان دارد.

عرصه ساختار، روابط، ابعاد و عملیات سیستم‌های نظام اجرایی کشور، بی‌شک، بهترین راه برای برنامه‌ریزی‌های ارتباطات توسعه ملی است. نگرش سیستمی چارچوب سودمندی در اختیار کارشناسان و برنامه‌ریزان برنامه‌های بلندمدت ملی قرار می‌دهند تا بتوانند برنامه‌های توسعه ملی و اجزای درهم پیچیده آنها را به‌طور یکپارچه و در ارتباط با نقش استراتژیک رسانه‌ها بعنوان عامل اصلی توسعه همه‌جانبه و پایدار در کشور درک کنند. راهبری‌هایی سیستمی این امکان را فراهم می‌کنند تا برنامه‌های استراتژیک توسعه ملی و نقش رسانه‌ها با وجود این به منزله یک کلی متشکل از اجزای درهم تافته در نظر گرفته شوند. با وجود این، با ارزیابی هدفها و استراتژی‌های ارتباطات توسعه، برنامه‌های توسعه کشور، فقدان نگرش‌های سیستمی و ارتباط ارگانیک اجزای برنامه‌ها مورد تحلیل واقع شده است.

در این مقاله بر اساس نگرش و تفکر سیستمی با توجه به وجود مشکلات عدیده‌ای که سیستم برنامه‌ریزی در ارتقای کارایی خود با آن روبروست، راهبره‌هایی سیستمی ارائه می‌شود که ابزار بسیار سودمندی برای تنوین و تنظیم برنامه‌های استراتژیک ارتباطات توسعه در سطح ملی و دیگر سطوح محسوب می‌شود. طرح این نکته که مکمل تفکر تحلیلی تجزیه - مدار بسیاری از مدیران جزءنگر است، می‌تواند کمک بسیار سودمندی برای کل‌نگری و جامع‌اندیشی برنامه‌ریزان به‌شمار رود. بررسی نحوه شکل‌گیری جریانهای فکری، روش‌های تحلیل در علوم و روش‌شناسیها از جالب توجه‌ترین مباحث فلسفه علم هستند که برنامه‌ریزان و مدیران نظام اجرایی می‌توانند

نخست، یعنی توجه به ارزشها، ایدئولوژیها و شاخصهای عدالت اجتماعی، توسعه را در اولویت بعدی قرار می‌دهند و معتقدند که توسعه کشور نباید به هر بهایی انجام شود، اما به هر حال توسعه را در خدمت استقلال جامعه ضروری می‌دانند. به هر حال مسلم آن است که مفهوم توسعه در دید همگان یکی نیست و هر صاحب‌نظری تعریفی خاص از آن ارائه می‌دهد، صاحب‌نظری معتقد است، توسعه الگویی است که سبب شود تا آنچه‌ان دگرگونی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، کمی و کیفی، مادی و معنوی در جامعه به‌وجود آید که ضمن قطع وابستگی‌های گوناگون از کشورهای خارج، جریان خروج و فرار سرمایه‌ها و مغزها را از کشور به جریان انباشت سرمایه و مغزها در داخل تبدیل کند و کشور را در ردیف کشورهای توسعه یافته جهان قرار دهد و برخی می‌گویند: توسعه نشان‌دهنده اختلاف شیوه زندگی در دوران تاریخی گوناگون است و برای گذار از یک دوران تاریخی به دوران تاریخی دیگر (کشاورزی به صنعتی و فراصنعتی) باید دگرگونی همه‌جانبه‌ای تحت عنوان «توسعه» در تمام جنبه‌های زندگی به‌وجود آید و به‌عبارتی، مفهوم انقلاب صنعتی، درونی شود. به‌هر حال به‌نظر می‌رسد آنان که توسعه را یک امر الزامی برای سلامت و پایداری جامعه می‌دانند و برای حفظ استقلال و سربلندی و موقعیت جهانی کشور، تلاش در راه رسیدن به توسعه را ضروری می‌دانند و رسیدن به پیشرفتهای گوناگون، صنعتی شدن، رفع فقر، رفع وابستگی، توسعه همه‌جانبه و جامع در امور زندگی و مانند آنها را از اهداف توسعه می‌دانند و هر برداشت از توسعه، با سایر برداشتها دارای برخی نقاط مشترک و اختلاف است.

علی‌ایحال حرکت در جهت تحقق توسعه پایدار نیازمند اقدامات همه‌جانبه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و بخصوص فرهنگی از سوی مردم و دولت می‌باشد، بدیهی است که این امر نیازمند ایجاد یک نهضت فکری از سوی اندیشمندان جامعه بوده و نقش روزنامه‌نگاران نیز در این راستا انکارناپذیر است.

توجه به نقش‌ها، وظایف و کارکردهای ارتباطات در توسعه، کنکاش برای دستیابی به توسعه واقعی با توجه به تحمیلی بودن شیوه‌های جمع‌آوری، پالایش، انتقال و انتشار اطلاعات و متناسب نبودن این شیوه با ارزش‌ها و نیازهای اطلاعاتی، ارزشمند است، برای گریز از این دایره سلطه ارتباطی، تحکیم هویت ملی و بنیان نهادن یک نظام نوین

جدیدی را پدید آورده‌اند. اجزای سیستم ضمن بر خورداری از ارتباط کنشی و واکنشی، از نظم و سازمان خاصی پیروی می‌کنند و در جهت تحقق هدفهای معینی که دلیل وجودی سیستم است، فعالیت می‌کنند. آنچه در این تعریف واجد اهمیت است را می‌توان در سه ویژگی اصلی خلاصه کرد: مفهوم کلیت، روابط متقابل بین اجزا و وجود هدف. به عبارت دیگر، زمانی که این سه مشخصه اساسی در کنار هم قرار گیرند، اطلاق واژه سیستم به هر موجودیتی امکان‌پذیر می‌شود.

باید توجه داشت که بطور کلی، سیستم‌ها ما را احاطه کرده‌اند، ما محیط بر سیستم‌ها و نیز محاط در آنها هستیم. با نگاه دقیق به هستی و با تعمقی در خود و در غیر، با نمونه‌های بی‌شماری از سیستم‌ها مواجه می‌شویم. وجود هر یک از ما، سیستمی است که از اجزایی مرتبط با یکدیگر تشکیل شده است و برای دستیابی به هدفی، مسیری را می‌پیماید، در درون ما، سیستم‌هایی با قلمروهای متفاوت وجود دارند که هر یک با نظام و سازمان مشخص فعالیت می‌کنند و برای ادامه حیات ما، به هستی خود ادامه می‌دهند. ما نیز، کم‌وبیش به همین ترتیب، در زمره یک جزء از طریق ارتباطاتی که با دیگر اجزا برقرار می‌کنیم، برای هستی سیستم‌های دیگر در تلاش هستیم.

نمونه‌هایی از سیستم‌ها: سیستم‌ها بی‌شمارند. در اینجا به‌عنوان نمونه به چند نوع از آنها اشاره می‌کنیم: ملکول‌ها، سلول‌ها، نباتات، حیوانات، انسانها، جوامع، ماشینها، و دیگر نظامهای مکانیکی، نظامهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، سیستم اطلاعات، نظامهای تولیدی، آموزشی، تأمین اجتماعی، خدمات درمانی، ارتباط جمعی و رسانه‌های همگانی و بسیاری نمونه‌های دیگر.

ترکیب سیستم: هر سیستم از اجزایی تشکیل شده است و هر جزء نقش خاصی را به‌منظور تحقق هدف سیستم ایفا می‌کند.

اجزای سیستم: ۱- درون‌داد: درون‌دادها یا داده‌ها عباراتند از کلیه آن چیزی که به نحوی وارد سیستم می‌شوند و فعالیت سیستم را امکان‌پذیر می‌سازند.

۲- فرایند تولید: درون‌دادی که به سیستم وارد می‌شود، طبق فرایند سیستم، در جریان تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد. در واقع، کاری در سیستم انجام می‌شود و در نتیجه، در داده‌ها تغییر پدید می‌آید.

۳- پرونداد (ستاده، خروجی) داده‌هایی که در فرایند تبدیل قرار می‌گیرند، طبق نظم و سازمانی که بر سیستم

بهره‌های فراوانی در دستیابی به تدوین برنامه‌های ارتباطات برای نیل به هدفهای توسعه همه‌جانبه ببرند.

تفکر سیستمی در واقع حاصل یک رشته خاص علمی نیست، بلکه محصول یک حوزه میان رشته‌ای است این نوع طرز تفکر از آنجا که با مجموعه‌ها سروکار دارد، نه با اجزای تشکیل‌دهنده آنها، بالطبع از مرزهای سنتی علوم خاصی فراتر رفته و عمومیت یافته است. تفکر سیستمی اساساً بر تغییر نگرش مبتنی بر تفکیک علوم به حوزه‌های تخصصی و ریز و بر نگرش مبتنی بر ترکیب یافته‌های رشته‌های متفاوت علمی تأکید می‌ورزد. بنابراین، جو فکری را به شکلی سودمند و اثربخش تغییر می‌دهد.

در این مقاله کوشش می‌شود به سئوالات زیر پاسخ داده شود.

۱- تفکر سیستمی و سیستم چیست، ترکیب سیستم، انواع سیستم و اهمیت دیدگاه سیستمی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۲- تفکر سیستمی چه سازوکارها، اصول و ویژگی‌هایی دارد.

۳- فرایند برنامه‌ریزی، قدرت سازگاری سیستم برنامه‌ریزی و استراتژی، نحوه افزایش قابلیت انطباق سیستم برنامه‌ریزی چیست؟

۴- استراتژیهای اصلی اجرایی و تدوین برنامه‌های سیستم برنامه‌ریزی کدام است؟ و چه ویژگیها و معیارها و مدل عملیاتی دارند؟

۵- توسعه چیست، تعاریف توسعه، مراحل نظریات ارتباطی و الگوهای ارتباطات و توسعه در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطی نقشهای قابل است برای ارتباطات:

الف- توسعه سیاسی ب- توسعه فرهنگی ج- پشتیبانی از توسعه آموزش د- پشتیبانی از توسعه اقتصادی- اجتماعی و- پشتیبانی از ارتباطات بین‌المللی.

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ارتباطی، کشورهای در حال توسعه و اولویتهای ارتباطی و در نتیجه‌گیری به نقش ارتباطات و نوع نگرش به آن در برنامه‌های توسعه و فقدان راهبریهای سیستمی برای تدوین برنامه‌های استراتژیک ارتباطات- توسعه خواهیم پرداخت و بر اهمیت این راهبریهای سیستمی در ایجاد توسعه همه‌جانبه و پایدار در کشور تأکید خواهیم کرد.

سیستم چیست؟ سیستم مجموعه‌ای است از اجزای به هم وابسته که به علت وابستگی حاکم بر اجزای خود، کلیت

سیستم نیز محیط را متأثر می‌کند. بدون وجود مرزی مشخص، سیستمی وجود نخواهد داشت، مرز یا مرزهای سیستم‌اند که مشخص می‌کنند، سیستم‌ها در چه جایی واقع شده‌اند و سیستم‌های فرعی از کجا شروع و به کجا ختم می‌شوند. مرزها می‌توانند فیزیکی باشند نظیر خطوط مرزی روشن که کشور را از همسایگان شرقی و غربی‌اش جدا می‌کند.

۲- بازخور - سیستم‌های باز بطور مداوم از محیط خود اطلاعات دریافت می‌کنند. این دریافت اطلاعات، سیستم‌ها را در جهت انطباق خود با شرایط کمک نموده و آنها را در پیگیری اقدامات اصلاحی انحرافات حاصله از جریان از پیش تعیین شده، یاری می‌دهد.

۳- ویژگی دورانی - سیستم‌های باز چرخه‌ای از حوادثند، ستادهای سیستم، امکاناتی را برای نهادهای جدید که چرخه سیستم را تکرار می‌کنند، فراهم می‌سازند.

۴- آنتروپی منفی - اصطلاح آنتروپی به گرایش سیستم به زوال (میل به فنا) یا فروپاشی اشاره دارد. یک سیستم بسته چون انرژی و داده‌های جدیدی را از محیط خود دریافت نمی‌کند به مرور زمان به ضعف می‌گراید. برعکس، یک سیستم باز آنتروپی منفی دارد لذا می‌تواند خود را تجدید قوا نماید و ساختارش را حفظ کند، از مرگ‌رهایی پاید و حتی رشد کند، زیرا توانایی ورود انرژی پیش از آنچه را که صرف تولید ستاده‌هایش می‌کند، داراست.

۵- وضعیت ثبات - ورود انرژی به سیستم برای جلوگیری از آنتروپی، میزانی از ثبات در تبادل انرژی را موجب می‌شود که این امر خود منجر به پایداری در سیستم می‌گردد.

۶- حرکت به سوی رشد و توسعه: ویژگی ثبات، توصیفی از سیستم‌های ساده یا سیستم‌های باز اولیه است. به مرور زمان که سیستم پیچیده‌تر می‌شود و به طرف خنثی‌سازی آنتروپی حرکت می‌کند، سیستم‌های باز به سمت رشد و توسعه حرکت می‌کنند که این امر نقض ثبات سیستم محسوب نمی‌شود. ما این پدیده را در سازمانهای بزرگ و بوروکراسی‌های دولتی می‌بینیم، که این سازمانها به وضعیت موجود خود قانع نیستند، در نتیجه برای افزایش احتمال بقا خود فعالانه رشد و توسعه را دنبال می‌کنند.

۷- تعادل بین فعالیتهای نگهدارنده و انطباقی - سیستم‌های باز اغلب تطبیق دادن دو نوع فعالیت متضاد را دنبال می‌کنند. فعالیتهای نگهدارنده اطمینان می‌دهد که

حاکم است، به صورت کالا یا خدمت، از سیستم به محیط صادر می‌شوند.

۴- بازخور: بر اساس نگرش (لودویک فون برتالانی). بازخور فرایندی دورانی است که در آن، بخشی از ستاده، به عنوان اطلاعات به درون داد بازخورنده می‌شود و به این ترتیب، سیستم را «خود کنترل می‌سازد»، مانند ترموستات که وظیفه حفظ دمای ثابت را بر عهده دارد به عبارت دیگر. بازخور یعنی یک مدار ارتباطی که چگونگی عملکرد سیستم را مشخص می‌سازد و انحرافات را تعیین می‌کند.

۵- محیط سیستم: هر سیستم، به طور کلی، در محیطی قرار دارد. سیستم، از عوامل محیطی تأثیر می‌پذیرد و بر آنها اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر، سیستم و عوامل محیطی (مانند عوامل طبیعی، فرهنگی، اینتلوژیک، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) بر هم کنش و واکنش متقابل دارند. به این ترتیب، محیط هر سیستم را عواملی تشکیل می‌دهند که اگر چه جزء سیستم نیستند، اما تغییر در هر یک از آنها، می‌تواند موجب تغییراتی در سیستم شود. بنابراین، محیط سیستم شامل کلیه متغیرهایی است که می‌توانند در وضع سیستم مؤثر باشند و یا از سیستم تأثیر بپذیرند.

انواع سیستم: معمولاً سیستم‌ها را به سیستم‌های باز و بسته طبقه‌بندی کرده‌اند. تفکر یا ایده سیستم‌های بسته از ابتدای مطرح شدن آن از علم فیزیک نشأت گرفته است این تفکر، سیستم‌ها را خودکفا و مستقل در نظر می‌گیرد. ویژگی مهم این تعریف از دیدگاه فیزیک اینست که اثر محیط بر سیستم را نادیده می‌گیرد. یک سیستم بسته سیستمی است که هیچ نوع انرژی از منابع خارجی دریافت نکرده و هیچ نوع انرژی را به خارج از خود ساطع نمی‌کند.

ویژگی‌های یک سیستم باز: همه سیستم‌ها دارای سه عنصر نهاده، فرایند تبدیل و ستاده‌اند. سیستم‌ها، مواد اولیه، انرژی، اطلاعات و منابع انسانی و نظایر اینها را دریافت می‌کنند و آنها را به کالاها، خدمات، منابع، مواد زاید و غیره تبدیل می‌کنند.

۱- آگاهی از محیط: یکی از ویژگی‌های روشن و واضح یک سیستم باز، آگاهی آن از روابط بین خود و محیطش است. مرزی وجود دارد که سیستم را از محیطش جدا می‌کند. تغییرات محیطی، کم و بیش بر سیستم تأثیر می‌گذارند و همینطور آن تغییرات درون

سیستمی در واقع اندیشیدن به سیستمهای مجتمع و اجزای تشکیل دهنده آنهاست. سیستمها مجموعه‌ای از اجزا هستند که به اتفاق در راه نیل به هدفی کلی گام برمی‌دارند.

هنگام تحلیل سیستم برنامه‌ریزی باید پنج اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد:

۱- هدفهای کل سیستم و معیارهای سنجش فعالیتهای آنها.

این هدفها به چهار گروه زیر تفکیک می‌شوند:

● هدفهای واقعی که تمیز دهنده تخیلات از هدفها است.

● هدفهای مشروع و قانونی، این هدفها در ارتباط با اخلاقیات و خدمات اجتماعی سیستم است.

● هدفهای دستوری، نحوه عمل و اجرا را بر اساس دانش فنی تبیین می‌کند.

● هدفهای توصیفی، که نحوه اتخاذ صحیح تصمیمات را بر اساس شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تبیین می‌کنند. نیازها، ارتباطات، نقاط قوت و ضعف، تهدیدها و تنگناها، مسائل و معضلات، آرمانها، موقعیتهای و فرصتها، منبع بروز هدفها می‌باشند که به اختصار «ان تمام» نامیده می‌شود.

۲- محیط سیستم - محیط، مجموعه شرایطی است که به سیستم مربوط می‌شود اما تحت کنترل مدیران سیستم برنامه‌ریزی نیست. این شرایط تا حدودی برای سیستم محدودیت ایجاد نمی‌کند در واقع محدودیتهای تغییرناپذیر هستند. محدودیتهای خارجی عبارت‌اند از:

■ منابع موجود ■ ویژگیهای تقاضا برای صادره سیستم ■ دانش فنی

۳- منابع سیستم - منابع در داخل سیستم قرار دارد و شامل مواد، اطلاعات، انرژی و وسایل، نیروی انسانی و سرمایه است که سیستم در اجرای وظایف خود از آنها استفاده می‌کند. در واقع منابع یک سیستم عواملی هستند که سیستم می‌تواند در آنجا تغییر ایجاد کند و از آنها به نفع خویش بهره‌گیرد.

۴- اجزای تشکیل دهنده - اجزای تشکیل دهنده سیستم عبارت‌اند از نقشها، هدفها و معیارهای اندازه‌گیری فعالیتهای هر یک از آنها، در اینجا وظیفه، هدف و فعالیتهای اصلی باید در قانون توجه قرار گیرد.

۵- مدیریت سیستم: موضوع مورد نظر مدیریت سیستم برنامه‌ریزی، تهیه طرحهایی برای سیستم است. مدیریت هدفهای اجزا را معین می‌کند، منابع را تخصیص می‌دهد و نحوه اجرای عملیات سیستم را کنترل می‌کند.

سیستمهای فرعی گوناگون با هم در تعاملند، اینکه کل سیستم با محیطش سازگاری دارد. در حقیقت این نوع فعالیتها از تغییرات سریع که ممکن است سیستم را از حالت تعادل خارج کند، جلوگیری می‌نماید. برعکس فعالیتهای انطباقی از این جهت ضرورند که سیستم بتواند در طی زمان، تغییرات در خواسته‌های داخلی و خارجی سیستم را جرح و تعدیل کند.

۸- همپایانی: مفهوم همپایانی تصریح می‌کند که برای انجام یک کار راههای متعددی وجود دارد. بطور دقیق‌تر همپایانی بیان می‌دارد که یک سیستم می‌تواند از شرایط اولیه مختلف بوسیله راههای متعدد به یک هدف نهایی نایل آید. همپایانی شمارا ترغیب می‌کند، بجای اینکه تعداد محدودی راه‌حل‌های جدید را برای حل یک مسئله مدنظر قرار دهید در جستجوی تعداد زیادی راه‌حل برآید.

- اهمیت دیدگاه سیستمی: دیدگاه سیستمی به مدیران حال و آینده اجازه می‌دهد که سازمان را به عنوان یک کل مشتمل بر سیستمهای فرعی متعدد و اجزا مرتبط بهم، مورد توجه قرار دهند، دیدگاه سیستمی برخی مدیران سطوح پایین سازمان را، که مشاغل خود را عناصر مجزا، ایستا و فاقد نقش، در حیات سازمان می‌پندارند رد می‌کند. دیدگاه سیستمی همه مدیران را ترغیب می‌کند تا محیطی را که بر فعالیتهای سیستم آنها تأثیر می‌گذارد مشخص نموده و آنرا بشناسد. مفروضات رویکرد سیستمی: رویکرد سیستمی نسبت به اثربخشی چنین اظهار می‌دارد که سازمانها متشکل از قسمتهای فرعی مرتبط بهم هستند. اگر قسمتی از این سیستم ضعیف عمل کند، اثر عملکرد ضعیف آن، بر عملکرد کل سیستم مؤثر واقع می‌شود. اثربخشی مستلزم آگاهی و تعاملات مؤثر بر عوامل محیطی است، مدیریت نمی‌تواند روابط حسنه خود را با مشتریان. عرضه‌کنندگان، مؤسسات و نهادهای دولتی، اتحادیه‌ها و عوامل مشابه که به قدرت مخدوش نمودن عملیات با ثبات سازمان را دارا هستند، نادیده بگیرد، لذا فردی که قالب ذهنی خود را بر مبنای سیستم‌نگری استقرار می‌سازد، می‌تواند به شناخت کاملتری از محیط خود دست یابد و با آگاهی از سیستم‌های گوناگون، ارتباطات موجود بین آنها و همچنین شناخت نقش و موقعیت خود در هر یک از آنها، میزان تأثیرپذیری و اثرگذاری خویش را بر آنها ارزیابی کند و در جهت بهبود سیستم‌های محیطی خویش بکوشد.

رویکرد اندیشه سیستم برنامه‌ریزی: طرز فکر

## جدول شماره ۱- رویکرد اندیشه سیستمی

شماره مؤلفه‌های رویکرد	شرح
۱ اندیشیدن به هدفهای اصلی	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ شناخت برنامهریزی باید بر اساس شرح هدفهایش باشد.</li> <li>■ یا شرح ساختار برنامهریزی شناخت برنامهریزی فراهم نمی‌شود.</li> <li>■ اهمیت هدفها با اندیشیدن به نتیجه اصلی و مطلوب نمایان می‌شود.</li> </ul>
۲ تهیه فهرستی از هدفهای فرعی	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ تهیه فهرستی از هدفهای فرعی در چارچوب هدفهای اصلی</li> <li>■ مسیر رسیدن به هدفهای اصلی از کانال هدفهای فرعی است</li> <li>■ هدفهای فرعی باید شامل نیازمندیهای لازم برای رسیدن به هدفهای اصلی هم باشد</li> <li>■ در اندیشیدن به اجزای فرعی سیستم برای جلوگیری از بروز اشتباه، توجه به هدفهای اصلی ضروری است</li> </ul>
۳ تعیین خط‌مشی‌های استاندارد	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ تعیین خط‌مشی‌های استاندارد برای سنجش درستی عملکرد هر خرده سیستم</li> <li>■ خط‌مشی‌های استاندارد، شاخص برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم است که زمینه‌های هماهنگی و سازوکارهای سیستم را موجود می‌آورد.</li> <li>■ ایجاد زمینه‌های تطبیق عملکرد سیستمهای فرعی یا شاخص خط‌مشی‌های استاندارد.</li> </ul>
۴ تجهیزات جانشین	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ شناسایی تجهیزات و لوازم جانشین برای رسیدن به هدفهای فرعی</li> <li>■ تدوین طرح استفاده از تجهیزات جانشین در صورت ضرورت</li> </ul>
۵ فعاليتها	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ تعیین و تدوین فعاليتهاي دستيابي به هدف اصلی و هدفهای فرعی</li> <li>■ تعیین تقدم و تأخر فعاليتها</li> <li>■ تدوین چارچوب زمانی انجام فعاليتها</li> <li>■ تعیین منابع لازم برای انجام فعاليتها</li> </ul>
۶ شاخصهای عملیاتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ تعیین شاخصها بر اساس خط‌مشی‌های استاندارد</li> <li>■ استفاده از شاخصهای اصلی و فرعی فعاليتهاي عملیاتی برای دستيابي به هدفهای فرعی</li> </ul>
۷ خرده سیستم	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ ایجاد خرده سیستم‌های در تناسب با هدفهای اصلی و اجزای کل سیستم</li> <li>■ تعیین شاخصهای خط‌مشی‌های استاندارد خرده سیستم</li> <li>■ تعیین شاخصهای عملیاتی برای خرده سیستمها</li> <li>■ ابزار کمکی برای سیستمهای مدیریت در هنگام کسب آمادگی برای رویه‌رو شدن با وقایع</li> </ul>
۸ علت‌یابی	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ مورد توجه قرار دادن علت انجام هر يك از فعاليتها در ارتباط با خرده سیستمها</li> <li>■ تدوین دلایل فنی علل انجام فعاليتها</li> </ul>

دوباره کاری بیهوده و هدر رفتن منابع اقتصادی جلوگیری می‌کند، اتخاذ کرد.

کالبدشناسی برنامه‌ریزی: توجه به کل سیستم تنها از طریق برنامه‌ریزی امکان‌پذیر است و برتری انسان نسبت به سایر موجودات در توانایی وی در پیش‌بینی امور، یعنی برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی تعیین سلسله عملیاتی است که می‌توان از طریق انجام و پیگیری آنها به هدفهای مطلوب رسید. بررسی علمی سیستم برنامه‌ریزی را می‌توان در ارتباط دادن فعالیت‌های هر یک از اجزای برنامه‌ریزی با معیار کار، یعنی بازده سنجید. برنامه‌ریزی جزء بی‌بسته‌ای از فعالیت کشور (کلان سازمان) تلقی می‌شود. در واقع برنامه‌ریزی مستلزم نوعی دگرگونی است و هر دگرگونی منافع فردی یا جمعی را ممکن است تهدید کند. عملیات برنامه‌ریزی باید به نحوی طراحی شود که مدیریت به‌طور مستمر از وقوع حوادث آگاه شود و همواره آمادگی لازم برای اقداماتی کلی و اصلاحی داشته باشد. فرایند برنامه‌ریزی را می‌توان در هفت مرحله به‌صورت زیر خلاصه کرد ۱- تعیین هدفها ۲- شناسایی راه کارها برای دستیابی به هدفها ۳- ارزیابی راه کارها از جنبه کارایی، منابع و هزینه‌های دستیابی به هدفها، ۴- انتخاب راه کار مناسب ۵- اجرای برنامه براساس راه حل منتخب ۶- نظارت بر اجرای برنامه و گردآوری اطلاعات درباره نحوه اجرا و بازخور آن برای کنترل عملیات برنامه ۷- ارزیابی نهایی برنامه و گردآوری اطلاعات برنامه‌ای و بازخور آن برای برنامه‌ریزیهای آتی.

دوره برنامه‌ریزی در واقع مستلزم توجه کافی، به کلیه این مراحل است. اما هر زمانی که اطلاعات تازه‌ای وارد می‌شود، اصلاح و تغییر مناسب هم باید انجام گیرد، تغییر در برنامه در حقیقت ایجاد برنامه نویتی است که باید براساس بررسی و آزمایش هر یک از گامهای قبلی و حتی گامهای مربوط به سازماندهی برنامه‌ریزی صورت گیرد. قدرت سازگاری سیستم برنامه‌ریزی مبتنی بر این عوامل است (۱) قابلیت یادگیری آن (۲) تغییر عملیات درونی برای پاسخ به تغییرات محیط بیرونی (۳) آشنایی با محیط در صورتی که سیستم علاوه بر شناخت محیط خود و آگاهی از آن، توان و تمایل مناسبی برای انطباق خود با تغییرات محیطی داشته باشد، در این حالت سیستم را انطباقی می‌نامند و (۴) توان و تمایل سیستم برای کسب اطلاعات در مورد اوضاع محیطی که عاملی حیاتی برای انطباق مطلوب با محیط بشمار می‌رود زیرا می‌تواند از تهدیدات و فرصتهای محیطی آگاه

لذا مدیریت سیستم برنامه‌ریزی، شخصی است که مدل خود را طرح‌ریزی می‌کند - تجزیه و تحلیل لازم را برای تشخیص و تعیین هدفها، منابع، محیط و اجرا به عمل درمی‌آورد. مدیریت سیستم نه تنها وظیفه تهیه طرحهای سیستمی را بر عهده دارد بلکه باید از درستی اجرای عملیات سیستم و انطباق آن با برنامه‌ریزی نیز اطمینان یابد و اگر در موردی تطابق وجود نداشته، علت آن را کشف کند. این فعالیت مدیریت غالباً «کنترل» نامیده می‌شود.

برنامه‌ریزی معمولاً با بیان هدفها آغاز می‌شود. قصد داریم به کجا برویم و چرا فقط در آن موقع است که می‌توان راههای احتمالی نیل به هدف را مشخص کرد. پاسخ این سؤال‌ها بستگی به این دارد که اکنون در کجا هستیم - یعنی نقطه شروع مان چیست؟ جواب این سؤال را از طریق پژوهشهای ارتباطی می‌توان یافت.

فراگردهای برنامه‌ریزی راهبردی و اجرایی، در ورای مرحله سیاست‌گذاری و در چارچوب برنامه‌ریزی ارتباطی قرار دارند - برنامه‌ریزی راهبردی، راههای مختلف نیل به هدفهای درازمدت را مشخص می‌کند و چارچوبی برای طرح‌ریزی برنامه‌های اجرایی کوتاه‌مدت به‌دست می‌دهد. این نوع برنامه‌ریزی مقاصد کلی سیاستهای ارتباطی را به هدفهای مشخص و روشهای دقیق تبدیل می‌کند. از آنجائیکه اثر تصمیمات مربوط به پایه‌گذاری و ساخت تکنولوژیهای ارتباطی، مسلماً تا سالهای سال باقی می‌ماند باید تصمیمات مزبور را در چارچوب یک برنامه راهبردی درازمدت اتخاذ کرد - بعنوان مثال، جاذبه‌های تازه تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و به‌ویژه برنامه‌های تلویزیون از طریق پخش مستقیم ماهواره‌ای و نظریه‌پردازهای خوشبینانه در مورد کاربردهای مثبت ارتباطات هم، که در دهه‌های گذشته با سخن گفتن از دهکده جهانی، انقلابی الکترونی و موج سوم در سالهای اخیر، با تأکید بر فرارسیدن عصر فرانوگرایی و «جامعه اطلاعات» عرضه شده‌اند نیز شایان توجه‌اند. همه اینها و عوامل دیگر، تعیین‌کننده آینده ارتباطات در یک کشورند. به‌همین طریق، تصمیمات مربوط به ساختهای قانونی، نحوه تأمین اعتبار و مسئولیتهای اجتماعی رسانه‌های ارتباطی نیز چنان فعالیت‌های آینده را مشروط می‌سازند که باید آنها را نه فقط با توجه به سیاستهای کلی، بلکه در چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی که توسعه ارتباطات را به‌سوی هدفهای مطلوب جامعه سوق می‌دهد و از

مورد انتظار برنامه است و اثر بخشی هم نامیده می شود. عوامل سازنده این کارایی، عملکرد، اعتبار و روایی و دوام و استمرار سیستم برنامه ریزی است.

در اینجا پس از تشریح دقیق تفکر سیستمی و راهبردهای سیستمی برای تدوین برنامه های استراتژیک به بررسی و تحلیل مفاهیم توسعه و ابعاد آن و نقش ارتباطات در این مقوله خواهیم پرداخت.

توسعه چیست: سیری در آثار و نظرات محققان توسعه نخست این نکته را بر ما روشن می کند که توسعه پدیده ای چندبُعدی است که ابعاد مختلف زندگی بشر اعم از جنبه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را دربرمی گیرد و به اعتقاد بیشتر محققان در نهادها ساختارهای جامعه دگرگونی اساسی و بنیادی پدید می آورد. دادلی سیرز رئیس مؤسسه اطلاعات توسعه در دانشگاه ساسکس توسعه را جریانی می داند که تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی را به همراه دارد به عقیده وی علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد شامل دگرگونی اساسی در نهادها و ساختمان های اجتماعی و همچنین در ایستارها و وجه نظرهای مردم است، توسعه در بسیاری موارد حتی عادت و رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می گیرد. «مایکل تودارو» اقتصاددان نیز به گوناگونی ابعاد توسعه اعتقاد دارد و می گوید: توسعه را باید جریانی چند بُعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته های افراد و گروه های اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می یابد.

دوم آنکه توسعه از نظر بسیاری از محققان دارای بار ارزشی است که تقریباً با کلمه بهبود به کار می رود، برنشتاین می گوید: تلاش برای ایجاد توسعه بار ارزشی همراه دارد که کمتر کسی با آن مخالف است.

سوم آنکه توسعه به فراگرد تغییر اطلاق می شود، تغییری که تصادفی یا ادواری نیست بلکه تراکم و تکرار شونده و دارای جهت است چهارم، ویژگی تکثر و پاره افزایی فراگرد توسعه است دکتر علی اسدی می گوید: توسعه به

شود.

## ■ استراتژیهای برنامه ریزی:

برنامه ریزان باید متناسب با مسئولیت های شان اختیار داشته باشند، وظیفه برنامه ریزی باید در رأس تمامی دستگاهها و نظام اجرایی کشور باشد. مدیران و برنامه ریزان باید همزیستی داشته باشند که نشانه رابطه سالم مدیران و برنامه ریزان است، لذا هر دو گروه باید همدیگر را درک کنند و در آموزش یکدیگر مفید واقع شوند. در برنامه ریزی چهار مؤلفه استراتژی، ترغیب، آموزش و هدایت که به اختصار تاسه نامیده می شود ایفای نقش می کنند که نشانه چهار استراتژی آماده سازی برنامه است. میزان فعالیت هر یک از این چهار مقوله، (استراتژی، ترغیب، آموزش، سیاست و هدایت) به روابط بین سیستم برنامه ریزی و تصمیم گیرندگان بستگی دارد و با خوبی و بدی این روابط در نوسان است.

بر اساس نظریه سیستمی، هر برنامه فرعی باید به تفصیل تشریح شود (۲) برای هر یک از آنها معیارهای عملیاتی خاصی تعیین شود. سپس (۳) معیارهای عملیاتی سیستم برنامه ریزی ارزشیابی اقتصادی شود.

کارایی برنامه ریزی: شاخص کارایی باعث می شود که نگرش کمی و درون نگر به سیستم برنامه ریزی ایجاد شود. برای کلیه مدیران سیستمها، هدفی مشترک وجود دارد و آن کارایی عملیات برنامه ریزی است. سیستم برنامه ریزی بدون کارایی ارزش ندارد و محکوم به فناست. کارایی هر برنامه ریزی در شش محور سنجیده می شود.

۱- کارایی اقتصادی که از تناسب خروجهای سیستم برنامه ریزی با ورودیهای آن تعیین می شود.

۲- کارایی داخلی که به کارایی ایکس (X) نیز شهرت دارد، کاهش هزینه های اضافی را در سیستم برنامه ریزی در نظر می گیرد.

۳- کارایی تخصصی، بر اساس این مفهوم بودجه اختصاص داده شده به سیستم برنامه ریزی باید برابر هزینه نهایی فعالیت های آن باشد.

۴- کارایی پویا، فراهم ساختن دانش فنی مطلوب برای برنامه و نشانه نرخ تغییر دانش فنی و نگهداری بهینه آن در طول برنامه است.

۵- کارایی فنی، که نشانه نسبت عملکرد واقعی برنامه به عملکرد مورد انتظار آن است.

۶- کارایی کیفی، نشانه تناسب هدفهای واقعی به هدفهای



معنای پاره‌افزایی بافت‌ها و ساختمان‌های اجتماعی تلقی می‌شود.

پنجمین ویژگی توسعه این است که بسیاری از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان واژه توسعه را به منظور جدا کردن دو نوع جامعه از یکدیگر به کار برده‌اند: جوامع صنعتی و جوامع سنتی، از دیدگاه دکتر حسین عظیمی استاد دانشگاه، توسعه فرایند حرکتی است که يك جامعه را از درون ماقبل صنعت به درون صنعت می‌رساند لذا می‌توانیم بگوئیم که در جهان ما دو دسته جامعه است، يك دسته جوامعی که وارد دوران صنعتی شده‌اند که در اصطلاحات علمی و روزمره بعنوان کشورهای توسعه یافته قلمداد می‌شوند، مانند آلمان، آمریکا، ژاپن و فرانسه، دسته دوم کشورهای هستند که به واقع هنوز نتوانسته‌اند، وارد این دوران صنعتی شوند اینها جامعه‌های در حال گذار و تغییرند در عین حال جوامع توسعه نیافته هستند.

تعاریف توسعه: تاکنون تعریف واحدی از توسعه ارائه نشده و هر نظریه پرداز تعریف خاصی از آن ارائه داده است، بطوری که می‌توان گفت به تعداد نظریه پردازان توسعه، تعریف از توسعه وجود دارد. در حال حاضر هر يك از نظریه پردازان برداشت خاصی از توسعه دارند. این برداشتها دارای نقاط مشترك و اختلاف هستند.

۱- توسعه، فراگرد تکرار و پاره‌افزایی بافتها و ساختهای اجتماعی است.

هر جامعه‌ای که بتواند از نظر بافت و سازمان تکثیر پیدا کند و این تکثیر با نوعی تقسیم و تنوع کار همراه باشد، توسعه یافته محسوب می‌شود. این مقوله در همه زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی صدق می‌کند. مثلاً در جامعه جریان‌های مختلف فکری، احزاب، تشکیلات و سازمانهای اداری ایجاد می‌شوند و کثرت می‌یابند.

۲- توسعه، عبارتست از بهینه‌سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی يك جامعه

۳- توسعه: فرایند تحول جامعه از يك دوره تاریخی به دوره دیگر است.

۴- توسعه، فرایندی است که طی آن کیفیت زندگی افراد جامعه بهبود می‌یابد.

۵- توسعه، جریان چندبعدی است که موجب تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی می‌شوند.

مراحل نظریات ارتباطات و توسعه: ارتباطات و توسعه

از جنبه نظری عملاً طی دوران پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه قرار گرفته‌اند. در اثر گسترش سریع وسایل ارتباط جمعی در کشورهای کمتر توسعه یافته، نظر متفکران علوم اجتماعی به این امر معطوف می‌شد که می‌توان از رسانه‌ها بعنوان محرک احتمالی اشاعه فرهنگی و توسعه اقتصادی بهره برد. پیش‌آهنگان این مرحله نخست مطالعات دانیل لرنر، ویلیس شرام، لوسین پای، دیوید مک کلاند، اورت راجرز، فردریک فرای بودند، در مرحله دوم، با الهام از نظریه‌های وابستگی میان توسعه و توسعه نیافتگی، نسبت به نقش رسانه‌ها بر خورد انتقاد آمیز تری در پیش گرفته شد در میان نظریه پردازان اصلی این مرحله می‌توان متفکرانی نظیر راجرز، شیلر و تعداد چشمگیری از محققان و اندیشمندان جهان سوم مانند فریر، بلتان، و دیگران را ملاحظه کرد. در مرحله سوم: به تأثیر از پیشرفت‌های سریع فن آوری در زمینه ارتباطات راه دور و نحوه پردازش اخبار و اطلاعات، گرایش جدید نظری مشخص بروز کرد، نخست، نظریه‌های «جامعه اطلاعات» و «اقتصاد اطلاعات» مرحله تکاملی و تاریخی نوینی را بعنوان دوران فراصنعتی مطرح کردند. دوم، نظریه‌هایی که در واکنش نسبت به شکاف موجود و فزاینده میان درآمد و اخبار و اطلاعات در سطح بین‌المللی کشورهای کمتر توسعه یافته، گزارش مک براید برای یونسکو را مورد توجه قرار داده و خواستار ایجاد يك نظم نوین ارتباطی و خبررسانی جهانی با تأکید دوگانه بر دو عنصر آزادی و برابری در جریان انتقال اخبار و اطلاعات بودند، سوم نظریه‌های فراساختارگرایی و فرانون گرایی که به تأثیر از نظریه‌های انتقادی و مارکس گرایی نو در تبیین و توصیف وضعیت جهانی اشباع شده از رسانه‌ها، از نظر شتاب و شدت انتقال اخبار و اطلاعات در دوران فراصنعتی، به گونه‌ای فزاینده مورد توجه قرار گرفتند.

الگوهای ارتباطات و توسعه: با در نظر گرفتن مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌توان سه الگورادر قبایل ارتباطات و توسعه از هم متمایز ساخت:

الف) الگوی لیبرالی: سرمایه‌داری: این نوع الگو که ملهم از مکتب نوسازی است، بر نوگرایی جوامع سنتی و تقلید از روند توسعه نظامهای غربی و سرمایه‌داری تأکید می‌ورزد، این نوع الگو متأثر از نظریات اجتماعی - اقتصادی ماکس وبر و نیز آراء و افکار متفکرانی همچون جان لاک، توماس هابز، آدام اسمیت، روسو و توماس جفرسون می‌باشد. الگوی لیبرالی - سرمایه‌داری متشکل از چهار عامل اصلی است:

- رشد اقتصادی از طریق صنعتی شدن و شهرگرایی

(به موازات یکدیگر)

- ورود فناوری از کشورهای توسعه یافته غربی

- برنامه ریزی متمرکز در زمینه توسعه

- علل عقب ماندگی کشورهای توسعه نیافته در خود این

جوامع نهفته است.

نقش ارتباطات در این الگو انتقال فناوری از کشورهای توسعه یافته به کشورهای توسعه نیافته است. این الگو برای ارتباطات سنتی ارزشی قائل نیست.

ب) الگوی مارکسیستی - سوسیالیستی: دومین مجموعه حاکم در قلمرو ارتباطات و توسعه الگوی مارکسیستی - سوسیالیستی می باشد. بر طبق این الگو، ارتباطات جدای از نظریه های سیاسی و عقیدتی نیست. بر این اساس تحریک، بسیج، سازمان دهی و انتقاد از خود به عنوان نقش اصلی مجاری ارتباطی ویژه وسایل ارتباط جمعی است. این الگو برای ارتباط بین فردی اهمیت ویژه ای قائل است و آن را پیش شرط اجرای برنامه های توسعه می داند. الگوی مارکسیستی - سوسیالیستی همانند الگوی لیبرالی - سرمایه داری بر رشد اقتصادی تأکید می کند، اما بر سر چگونگی دستیابی به آن بین این دو الگو اختلاف وجود دارد. از دیگر شباهت های این دو الگو آن است که هر دو علم را محور کلیدی توسعه می دانند، از دیدگاه الگوی مورد نظر، وظیفه عمده نظام ارتباطی، تمرکز بر مشکلات ملی، بهره روری اقتصادی، بلوغ سیاسی و برابری اجتماعی است. همچنین در جوامع سوسیالیستی این تفکر حاکم بود که تفریح از کار و آموزش جدا نیست.

ج) الگوی وحدت گرا - رهایی بخش: سومین الگویی که در زمینه توسعه و ارتباطات در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شکل گرفت، الگوی وحدت گرا - رهایی بخش نام دارد، این الگو که در واکنش به دو الگوی پیشین ظهور کرد در اصل جنبش انقلابی، انسان گرا و معنوی است که بجای کمیّت بر کیفیت تأکید دارد «طرفداران این الگو معتقدند که هم ارتباطات بین فردی و هم ارتباطات درون فرد، باید در کانون توجه برنامه ریزان توسعه قرار گیرد. بر این اساس علاوه بر ارتباطات سنتی باید به فناوری های نوین ارتباطی نیز توجه شود».

بر پایه این الگو، ارزشها و مفاهیم موجود در ارتباطات، نخستین محرک های حرکت به سوی دگرگونی اجتماعی است، ارتباط در درون جامعه به افزایش پیوستگی اجتماعی می انجامد و به آموزش مستمر کمک می کند، ارتباطات به خرده گروهها قدرت می بخشد و به اجتماعی کردن کمک

می نماید. از طرف دیگر متفکران و صاحب نظران این حوزه نسبت به نظامهای آموزشی موجود دیدگاهی انتقادی دارند، آنها بر این باورند که نظامهای آموزشی بیشتر به این خاطر شکل گرفته اند که قدرت حاکم بطور ارادی آن را به خدمت گیرند تا بتوانند مردم را در شرایط غیر انسانی نگاه دارند، در این نظام جایی برای خلاقیت وجود ندارد و حق عمل از ستمدیدگان برای تبدیل شدن به انسان کامل سلب می شود، روشنفکران این حوزه با ارائه راه حل های گوناگون معتقدند که نخبگان و توده ها باید هر دو مبدل به فراگیرنده شوند، یعنی باید جریان ارتباطات دوسویه و محاوره و گفتگوی دوطرفه جایگاه ویژه ای در ارتباطات داشته باشد نکته مهم دیگری که در این الگو به چشم می خورد آن است که بر «خود» ارتباط تأکید می شود و نه ابزارهای ارتباطی. نکته آخر این که ارتباط حقیقی از منظر این الگو باید افقی باشد، تنها در این صورت است که هم فرستنده و هم گیرنده با تبادل تجارب خود، دچار تحول و دگرگونی می شوند.

### ■ وظایف رسانه ها در پشتیبانی از رشد توسعه:

بر اساس آخرین پژوهشهای ارتباطی، در سیاست گذاری و برنامه ریزی های ارتباطی وظایف و نقشهایی را برای رسانه ها در نظر گرفته اند که با تحقق آنها، رسانه ها بطور واقعی در خدمت توسعه همه جانبه قرار خواهند گرفت که به ترتیب عبارتند از:

الف - وظایف رسانه ها در رشد توسعه سیاسی

۱- همبستگی ملی را استحکام ببخشند، باید تشتت را بسوی همبستگی برد و انسجام ایجاد کرد.

۲- رسانه ها باید کمیّت و کیفیت ارتباطات گروه های اجتماعی را بالا ببرند.

اگر رسانه ها بتوانند روابط گروه های اجتماعی را نسبت به هم باز کنند و کمیّت و کیفیت اطلاعات را بهبود بخشند و گروه های مختلف اجتماعی از مناسبات خود پسنده به سمت تعامل یا بیرون خود بروند بسیار مهم و ضروری است در رشد توسعه سیاسی

۳- بالا بردن کمیّت و کیفیت اطلاعات

ب- وظایف رسانه ها در پشتیبانی از توسعه فرهنگی

۱- گسترش و تحقق فرهنگ و ارزشهای اصیل اسلامی

۲- بارور ساختن آفرینش های فرهنگی و هنری در تمام سطوح کشور

۳- بارور ساختن اوقات فراغت مردم است.

- گمان باشد.
- ۲- برنامه باید بر اساس پیش بینی تحولات آتی جهانی تدوین شده باشد.
- ۳- در تنظیم برنامه، باید مشکلات و موانع برنامه‌های گذشته بررسی و اصلاح شوند
- ۴- برنامه باید در قبال مسائل پیش بینی نشده قابلیت انعطاف داشته باشد.
- ۵- در هنگام تدوین برنامه باید ارزیابی صحیحی از توان اجرایی کشور انجام شود.

- یکی از نکات حساس و اساسی در برنامه‌ریزی و تحلیل آینده‌نگرانه خط‌مشی‌های مختلف برای ایجاد نظام‌های کار آبرای جامعه نوین آینده، مسأله مدیریت است. توصیف عملی مدیریت، در قیاس با برنامه‌ریزی این است که مدیریت مثل راندن اتومبیل است، حال آنکه برنامه‌ریزی مربوط به طرح و ساخت آن است، از آنجا که خود مدیریت را می‌توان نوعی ارتباط دانست یا حداقل تمامی مسائل مدیریت، مسائل ارتباطی هستند در اینجا با مدیریت سازمانهای رسانه‌ای سروکار پیدا می‌کنیم.

در سالهای اخیر، تأکید بر پژوهش سازمانی و مدیریت، بر توانایی سازمانها در مقابله با تغییرات و پیچیدگی روزافزون محیط بیشتر شده است، این مسأله همواره تا حدی مورد توجه سازمانهای موفق بوده است، ولی از آنجا که سرعت تحول عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و تکنولوژیک افزایش یافته و همچنان در حال افزایش است به این نکته بیش از پیش توجه می‌شود. تحول عوامل بالا منجر به ایجاد سازمانهای جدید و ظهور روابط پیچیده‌تر میان اجزای محیطی سازمانها نشده است، یکی از پیامدهای این توسعه آن است که مدیران را در اغلب حیطه‌های سیاست‌گذاری، ناچار به اتخاذ تصمیمات پیچیده‌تر بدفعات فزونی‌تر می‌کند، چنانچه گفته‌اند «مدیریت، دیگر هرگز ساده نخواهد بود. مدیران، اکنون برای مقابله با شرایط جدیدی که دائماً رودرروی آنهاست به کمک ابزارها و روشهای جدید تصمیم‌گیری نیاز دارند، درجه درگیری سازمان رسانه‌ای در روند پژوهش و توسعه، تابعی از شرایط محیطی و حجم سازمانی است، امکانات تکنولوژیک موجود برای دستیابی به نظامهای تکنیکی و نیز برای روی آوردن به پژوهش و توسعه، نتیجه مستقیم توسعه مدیریت و کاربرد نظامهای اطلاعاتی بیرونی و درونی آن است، همگامی با پیشرفت تکنولوژی مستلزم

- ۴- شناخت و گسترش و باز آفرینی فرهنگ ملی است.
- ۵- گسترش و تحکیم زبان فارسی است.
- ج- وظایف رسانه‌ها در پشتیبانی از توسعه آموزش:
- ۱- اولین ضرورت تأکید بر آموزش چندرسانه‌ای و شبکه‌ای
- ۲- گسترش کمی و کیفی تحقیقات اطلاعاتی و ارتباطی
- ۳- بالا بردن، تربیت نسل متفکر و آفریننده
- د- وظایف رسانه‌ها در پشتیبانی از توسعه اقتصادی و اجتماعی:

۱- یکی از نقشهای توسعه می‌تواند گسترش توسعه خدمات ارتباطی باشد در زمینه‌های گوناگون توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مانند بهداشت از راه دور، آموزش از راه دور، ارائه اطلاعات، ایجاد بانک و سایتهای اطلاع‌رسانی، تله کنفرانس، تله تکست از جمله نمونه‌هایی است که می‌تواند در خدمت توسعه اجتماعی و اقتصادی باشد.

۲- ارتقاء فرهنگ و منزلت گروههای حساس اجتماعی (آسیب‌پذیر)

هـ- وظایف رسانه‌ها در پشتیبانی از ارتباطات بین‌المللی است.

- ۱- خودشناسایی و شناساندن فرهنگ ایران به ملل دیگر است.
- ۲- شناساندن فرهنگهای کشورهای دیگر به ایران نیز يك کار اساسی است.
- ۳- تقویت زمینه‌های تفاهم و همکاری بین‌المللی

### ■ برنامه‌ریزی چیست و چه ویژگیهایی باید داشته باشد:

از دیدگاه واترسون برنامه‌ریزی تلاشی سازمان یافته و آگاهانه است که بهترین راههای ممکن را برای رسیدن به اهداف معین برمی‌گزیند و برنامه‌ریزی ملی فرایندی است که دولت‌ها بر اساس آن در جهت دستیابی به توسعه گام برمی‌دارند.

برنامه‌ریزی انواع گوناگون دارد که برحسب زمانی می‌تواند آن را به کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت تقسیم کرد و یا برحسب موقعیت مکانی می‌تواند جهانی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای، شهری و روستایی باشد هرگونه برنامه‌ریزی برای آنکه کار آ و مؤثر باشد باید یکسری ویژگی داشته باشد که به برخی از این ویژگیها در ذیل اشاره می‌شود.

۱- برنامه باید واقع‌گرایانه و بدور از هرگونه حدس و

نخستین اولویت کشورهای در حال توسعه متناسب بودن این فناوریها با نیازها، امکانات و میزان مهارت‌های نیروی انسانی آنهاست، این فناوریها باید به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه و قابل پیاده کردن باشند، علاوه بر این، توسعه و بهره‌گیری از این فناوریها به آگاهی فنی، توسعه کاربردها و در یک کلمه ایجاد زیربنای اجتماعی نیاز دارند.

دومین اولویت برای کشورهای در حال توسعه، ارتقاء نوسازی سیستمهای ارتباطی و اطلاع رایش خود است. سومین اولویت این است که آنها اطمینان یابند که فناوریهای موجود کارآیی لازم را ندارند و نیاز به تغییر آنها می‌باشد.

آخرین اولویت نیز ایجاد یک زیرساخت مناسب و توسعه یافته ارتباطی است (هنسون).

- برنامه ریزی ارتباطی ضمناً با همبستگی رسانه‌ها که موجب می‌شود که آنها به طور دسته جمعی به سوی هدفهای خاصی بروند، سروکار دارد. در این زمینه باید به ابعاد گوناگونی توجه داشت: فایده اقتصادی، افزایش کارآیی سازمانی، و تسهیل توسعه مورد نظر آنها، بعنوان مثال می‌توان گفت که ادغام برنامه‌های خبری صدا و سیما، آنها را قادر به استفاده از خبرنگاران و منابع خبری مشترک می‌کند و از این طریق دارای فایده اقتصادی است. در این گونه تحلیل طبیعتاً باید به معایب و خطرات همبستگی رسانه‌ها نیز توجه داشت.

مالکیت یا مدیریت مشترک می‌تواند مانع از توسعه راستین مجراهای خبری متفاوت شود. استفاده از تسهیلات فنی مشترک نیز می‌تواند منجر به تشابه سیاستهای خبری گردد. بدین سان، قسمت اعظم فراگرد برنامه ریزی رسانه‌ای، سبک و سنگین کردن نکات مثبت و منفی ناشی از روابط کاری نزدیک میان رسانه‌هاست. اگر مسائل مربوط به محتوی، سیاست خبری، شکل و نحوه ارائه نیز مطرح گردد. کار برنامه ریزی از این هم دشوارتر می‌شود. اکنون گفته می‌شود که اگر رسانه‌ها را در کنار هم با یک ترکیب نظام یافته به کار گیریم، تأثیر قویتر و بیشتری خواهند داشت. این ناشی از آن است که رسانه‌های گوناگون نقاط ضعف و قدرت متفاوت دارند. و حس یا حواس متفاوتی را در پیام گیرنده به کار می‌گیرند. بنابراین به سود آنهاست که در ارتباط با پیام گیران، بر قدرتهای خود تکیه کنند و نقاط ضعف خویش را بیوشانند، از این گذشته پیام گیران، رسانه‌های گوناگون، گروههای متفاوت و مجزایی را تشکیل نمی‌دهند؛ مثلاً افرادی که تلویزیون تماشا می‌کنند به رادیو هم گوش می‌دهند و روزنامه و

برنامه ریزی درازمدت و مدیریت نسبتاً قراردادی است، آهنگ تحول و عامل پیش بینی را می‌توان بسادگی کنترل کرد از این گذشته منظور غایی از کاربرد تکنولوژی جدید در هر سازمانی افزایش کارآیی سازمان است. برای افزایش کارآیی، راههای گوناگون هستند، هر یک از این راهها مستلزم ایجاد تحول در یک زیر نظام و فراگرد خاص است.

### ■ برنامه ریزی و سیاستگذاری ارتباطی:

تعریف یونسکو از سیاستگذاری و برنامه ریزی ملی ارتباطی عبارتست از تدوین مجموعه‌ای از اصول و هنجارها برای رهبری رفتار نظامدار ارتباطی، بر این اساس سیاستهای ارتباطی را اینگونه می‌توان تعریف کرد: اصول سیاستهای نهادینه شده و هنجارهایی که برای هدایت، تکوین، توزیع و کنترل ارتباطات هم از جنبه انسانی و هم از جنبه تکنولوژیک به وجود می‌آید. سیاست ارتباطی بیانگر رفتار حاکم فرهنگی و سیاسی و اقتصادی یک نظام است که در فرایند تمامیت ملی به مشارکت مردمی و بسیج اجتماعی - اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کند، بدین منظور سیاستگذاران ارتباطی در کشورهای در حال توسعه برای تدوین هر نوع سیاست ارتباطی باید از تقلید کورکورانه از الگوهای غربی پرهیزند، همچنین باید از منابع انسانی و تکنولوژیکی موجود داخلی حداکثر استفاده را نمایند، آنها باید مراقب باشند که سیاستهای ارتباطی در تضاد با فرهنگ ملی نباشند و در رشد و گسترش مفاهیم ارزشهای اسلامی تلاش نمایند، ضمن آنکه این برنامه‌ها باید به مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه کمک کند، نکته دیگر که نباید آن را فراموش کرد این است که سیاستهای ارتباطی نباید متضمن منافع شخصی یا ساختار بازار باشد، بلکه هدف باید ارتقاء سطح آگاهیها و نگرش مردم باشد. بنابراین سیاستهای ارتباطی مجموعه کاربردهای آگاهانه و عمدی برای تأمین نیازهای ارتباطی از طریق بهره‌گیری از منابع انسانی و مادی جامعه است، این امر می‌تواند ضامن استقلال سیاسی و اقتصادی باشد.

### ■ کشورهای در حال توسعه

#### و اولویتهای ارتباطی:

اینگونه کشورها در به کارگیری فناوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی باید معیارها و اولویتهایی را مدنظر داشته باشند،

مجله نیز می‌خوانند و رسانه‌ها اگر این واقعیت را بپذیرند کار آیی خود را افزایش داده‌اند.

### ■ نتیجه‌گیری:

با توجه به ضرورت‌های آینده‌نگری ارتباطی و بررسی مبانی نظری و ریشه‌ها و زمینه‌های پژوهشی ارتباطات توسعه و همچنین برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ملی ارتباطی و از آنجا که نگرش‌های سیستمی امروز، روش‌های نوین و جامعی برای بررسی، تحلیل و تبیین برنامه‌های سازمانی و ملی در هر دو سطح خرد و کلان در عرصه‌های تصمیم‌گیری به‌شمار می‌روند و در طبقه‌بندی فنون برنامه‌ریزی استراتژیک جای گرفته‌اند، شناخت روش‌شناسی و مدل‌سازی سیستمی و تحلیل ساختار بینشی آن برای برنامه‌ریزان از یک سو و طرح برنامه‌های استراتژیک ارتباطات و توسعه کشور در چارچوب نگرش‌های سیستمی از سوی دیگر در موفقیت سیستم برنامه‌ریزی و سازگاری آن با تغییرات محیطی اهمیت فراوان دارد. راهبریهای سیستمی این امکان را فراهم می‌کنند تا برنامه‌های استراتژیک توسعه ملی و نقش رسانه‌ها به منزله یک کل متشکل از اجزای درهم تافته در نظر گرفته شوند، با وجود این، با ارزیابی هدفها و استراتژیهای ارتباطات توسعه و برنامه‌های توسعه کشور، فقدان نگرش سیستمی و ارتباط ارگانیک اجزای برنامه مشاهده می‌شود. در این مقاله براساس نگرش و تفکر سیستمی با توجه به وجود مشکلات عدیده‌ای که سیستم برنامه‌ریزی در ارتقای کارایی خود با آن روبروست، راهبریهای سیستمی ارائه گردیده که ابزار بسیار سودمندی برای تدوین و تنظیم برنامه‌های استراتژیک ارتباطات توسعه در سطح ملی و دیگر سطوح محسوب می‌شود، طرح این نکته که مکمل تفکر تحلیلی تجزیه‌مدار بسیاری از مدیران جزءنگر است، می‌تواند کمک بسیار سودمندی برای کل‌نگری و جامع‌اندیشی برنامه‌ریزان به‌شمار رود. در تمامی مباحث مربوط به ارتباطات و توسعه، الگوهای ارتباط و توسعه، وظایف رسانه‌ها در پشتیبانی از رشد ابعاد توسعه، تنگناها، عوامل موفقیت و شاخص‌های مورد نظر در توسعه، باید تعاملی بین این عوامل برقرار شود. از بخشی‌نگری پرهیز شود و تمام مجموعه بعنوان یک سیستم در نظر گرفته شود که ضعف یک شاخص و یک بُعد از توسعه موجب ضعف در اجزای دیگر سیستم ارتباطات که بمثابة عاملی در توسعه و شاخصی برای توسعه‌یافتگی کشور می‌باشد، در نظر گرفته

شود. تفکر و اندیشه سیستمی اجزاء را در ارتباط با یک کل مشترک می‌بیند و تمامی اجزاء سیستم را در تعامل با هم در اجرای اهداف یک سیستم شامل می‌داند که اجزاء مشمول را در بر می‌گیرد که موجب یک توسعه همه‌جانبه و پایدار خواهد گردید.

و همچنین با توجه به نظر آقای دکتر معتمدزاد که برای ارتباطات در خدمت توسعه سه مرحله قائل است ۱- توسعه ارتباطات ۲- توسعه بوسیله ارتباطات ۳- توسعه برای ارتباطات، باید اذعان داشت که بر اساس تفکر سیستمی در این ابعاد نیز در کشور بخشی‌نگری وجود دارد و عمدتاً ما به توسعه ارتباطات از جنبه کمی پرداخته‌ایم و از ابعاد دیگر دور مانده‌ایم.

با بررسی برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ملاحظه می‌شود که تأکیدهای صریح و پیش‌بینی‌های دقیق درباره استفاده از ارتباطات برای نیل به هدف‌های مورد نظر در زمینه‌های مختلف توسعه، صورت نگرفته و تنها وظائف اجتماعی کلی ارتباطات جمعی یادآوری شده‌اند، به عبارت دیگر، در این برنامه به توسعه ارتباطات پیش از ارتباطات توسعه توجه شده است.

در برنامه سوم به مسائل به‌طور جدی تری پرداخته شده و ارتباطات توسعه مطرح شده است و بر برنامه‌های ارتباطی، مطبوعات، سینما و نظایر آن تأثیر قابل ملاحظه‌ای ایجاد نموده است و در واقع باید اذعان داشت که پررنگ‌تر از برنامه سوم در برنامه چهارم به بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه پرداخته شده است که امیدواریم این برنامه‌ها با تصویب در مرحله اجرا به واقعیت پیوندند و از بخشی‌نگری و به یک بُعد از ابعاد توسعه توجه نمودن، دور شود. و مطالعه درباره فعالیتها و سازمان‌های ارتباطی مختلف، مشخص می‌سازد که کوششها و خط‌مشی‌های آنها در زمینه‌های اختصاصی مربوط به هم و همچنین در زمینه کلی ارتباطات کشور از هماهنگی‌های لازم برخوردار نبوده و به خوبی نمی‌توانند نقش خود را در تحقق هدفها و آرمانهای انقلاب و اجرای سیاستهای عمومی کشور ایفا کنند، در اینجا نیاز به وجود سیاست‌گذاری واحد در زمینه ارتباطات که توسعه ارتباطی را بعنوان یک سیستم شامل در نظر بگیرد که تمامی مجموعه‌های مشمول این سیستم را با یک دید و با یک سیاست و برنامه ایجاد، هدایت و رهبری کند، می‌باشد.

## منابع:

۱. شمس السادات زاهدی دکتر، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌ها، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۸.
۲. علی رضائیان دکتر، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، چاپ چهارم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۸.
۳. جان ام-برایسون، برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمانهای دولتی و غیرانتفاعی، ترجمه عباس منوریان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۴. فردآر-دیوید، مدیریت استراتژیک، ترجمه دکتر علی یارسانیان و دکتر سید محمد اعرابی، چاپ چهارم، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۹.
۵. درک-هیچینز، کاربرد اندیشه سیستمی، ترجمه رشید اصلانی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۶.
۶. دکتر مهدی الوانی، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، چاپ نهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۰.
۷. استیفن رابینز، تئوری سازمان (ساختار، طراحی، کاربردها)، ترجمه دکتر سید مهدی الوانی-حسن دانائی فرد، چاپ سوم، تهران: صفار، ۱۳۷۸.
۸. رالف دی استسی، مدیریت برنامه‌ریزی شده-مرزهای راهبردی بین نظم و آشفتگی در سازمانها، ترجمه حسن قدمی-مسعود نیازمند، تهران: مرکز انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۸.
۹. مارک ترنر، دیوید هیوم، حکومتمداری، مدیریت و توسعه-چگونه دولت کارآمد داشته باشیم، ترجمه دکتر عباس منوریان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۹.
۱۰. هنری مینتز برگ، سازماندهی: پنج الگوی کارساز، ترجمه ابوالحسن فقیهی، حسین وزیری سابق، چاپ دوم، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۳.
۱۱. ریچاردال. دفت، تئوری و طراحی سازمان جلد اول و دوم، ترجمه دکتر علی یارسانیان و دکتر سید محمد اعرابی، چاپ سوم، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۷.
۱۲. جریس هنسون-اومانارولا، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه داوود حیدری، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۸.
۱۳. شن مک براید، یک جهان، چندین صدا، ترجمه ایرج یاد، تهران: سروش، ۱۳۶۹.
۱۴. بروکشایر تامپسون، رسانه‌ها و نوگرایی، ترجمه علی ایناری کسمایی، تهران: مؤسسه ایران، ۱۳۷۹.
۱۵. دکتر علی اصغر کیا و دکتر رحمان سعیدی، رادیو و توسعه، تهران: انتشارات مکت، ۱۳۸۰.
۱۶. جان ای. آر. لی، به سوی سیاستهای ارتباطی واقع‌بینانه، ترجمه خسرو جهانداری، تهران: سروش، ۱۳۵۶.
۱۷. ژان کازینو، قدرت تلویزیون، ترجمه علی اسدی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۱۸. کاترین میلر، ارتباطات سازمانی، ترجمه آذر قبادی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۷.
۱۹. جرالده ساسمن و جان ای. لنت، ارتباطات فراملی و جهان سوم، ترجمه طاهره زیان احمدی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۴.
۲۰. دکتر کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، جلد یکم، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.
۲۱. دکتر کاظم معتمدنژاد، «ارتباطات توسعه و توسعه ارتباطات در ایران»: مقاله عرضه شده به کنفرانس کاربرد تحقیقات اجتماعی-اقتصادی در برنامه‌های توسعه: دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۱.
۲۲. مولانا، حمید-«سه نگرش به ارتباطات و توسعه» رسانه، سال اول، ش ۲، پائیز ۱۳۶۹.
۲۳. دکتر مجید تهرانیان، ارتباطات و توسعه، ترجمه دکتر هادی خانیکی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
۲۴. «مقدمه‌ای بر نقش‌ها و کارکردهای مطبوعاتی در توسعه»، هادی خانیکی، رسانه، بهار ۱۳۷۶.